



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۱، ش ۲ (پیاپی ۵۶)، خرداد و تیر ۱۳۹۹، صص ۳۳-۵۱

بررسی تغییرات معنایی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان

زندان با توجه به متغیرهای اجتماعی جنسیت، سن،

تحصیلات، موقعیت اجتماعی

بهزاد رهبر^{۱*}، آمنه مسن‌آبادی^۲، محمدرضا اروجی^۳

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

۳. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۷

دریافت: ۹۶/۰۷/۲۱

چکیده

مطالعه زبان زندان و واژه‌ها و اصطلاحات رایج در این زبان از نظر جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، زبان‌شناختی و جرم‌شناختی دارای اهمیت است. هدف از پژوهش حاضر آن است که یکی از جنبه‌های مهم گونه زبانی زندان، یعنی جنبه معنایی را بررسی کند و مهم‌ترین تغییرات معنایی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در این گونه زبانی را با توجه به چهار متغیر اجتماعی جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی واکاوی کند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از روش‌های مشاهده عینی و مصاحبه استفاده شده است. این داده‌ها شامل ۶۱۵ اصطلاح رایج در زبان زندانیان مرد و ۴۹۶ اصطلاح رایج در زبان زندانیان زن است (مجموع ۱۱۱۱ مورد). تعداد کل زندانیانی که مصاحبه شدند، ۷۰ نفر بود. از این تعداد، ۲۰ نفر آن‌ها زن و همگی از زندان شهر ری بودند. ۵۰ نفر آن‌ها مرد و از چهار زندان رجایی‌شهر، قزل‌حصار، فشافویه و تهران بزرگ بودند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که چهار گونه تغییر معنایی رایج در زبان زندان شامل تغییر استعاری، تغییر مجازی، تغییر کنایی و تنزل معنایی بیشترین تأثیرپذیری را از دو متغیر اجتماعی تحصیلات و موقعیت اجتماعی دارند و کم‌تر تحت تأثیر جنسیت و سن هستند.

واژه‌های کلیدی: زبان زندان، تغییر معنایی، استعاره، مجاز، کنایه، تنزل معنایی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

زندان نیز مانند جامعه، متشکل از گروه‌های مختلف اجتماعی است که با مشخصه‌های سنی، جنسی و نژادی از هم متمایز می‌شوند؛ اما در زندان‌ها خلاف جامعه موقعیت‌های اجتماعی، شغلی، تحصیلی، اقتصادی سیاسی و ... در طبقه‌بندی رسمی و غیررسمی محکومان مؤثر نیست. گروه‌ها در زندان به واسطه مشخصه‌های دیگری همچون بزه ارتكابی، مدت محکومیت، زبان، قومیت و سن شکل می‌گیرند. گونه زبانی که زندانیان به آن سخن می‌گویند و واژه‌ها و اصطلاحاتی که به‌ویژه در گفت‌وگو با یکدیگر به‌کار می‌برند، موضوعی درخور توجه و پژوهش است. این گونه زبانی گاه آن‌چنان با گونه‌های زبانی رایج در فضای بیرون از زندان متفاوت است که فهم آن برای افرادی که تجربه زندان ندارند و در معرض این گونه زبانی نبوده‌اند دشوار می‌کند. برای نمونه، اصطلاحات «باز بودن رأی»، «مشامی» و «حبس بلندگو» را می‌توان نام برد که پژوهشگران آن‌ها را در گفتار زندانیان آزادشده در هنگام پیگیری امور اداری خود مشاهده کرده‌اند:

الف). خانم برای همسر من که شش ماه از حبسش مونده می‌تونی کاری کنی که رأی باز شه؟ (رأی باز شدن: وضعیت زندانیانی که با حکم قاضی می‌توانند از زندان آزاد شوند؛ ولی در عوض، باید از صبح تا غروب در مکانی تحت کنترل کار کنند و بعد از آن آزادند که به خانه بروند).

ب) فالانی مواد می‌زنه، اونم مشامی! (مشامی: مواد مخدری که از طریق بینی استنشاق و مصرف می‌شود).

ج) شوهرم حبس بلندگو داره! (حبس بلندگو: حبسی که باید تا انتها تحمل شود و زندانی تمام مدت محکومیت خود را بدون هیچ عفوی در زندان بماند).

علاوه بر این، پژوهشگران در اثنای مطالعات و پژوهش‌های خود به برخی از موارد ضرب و جرح و خودزنی ناشی از سوءتفاهم‌های ایجادشده در هنگام گفت‌وگوی زندانیان با یکدیگر یا موارد متعددی از عدم وجود تفاهم و تعامل بین زندانی آزادشده با جامعه معیار برخورد کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان زبان مورد استفاده در زندان‌ها را گونه زبانی خاصی دانست که ویژگی‌های آواشناختی، ساخت‌واژی و معناشناختی خاص خود را داراست و با گونه‌های رایج در جامعه آنچنان متفاوت است که گاه به عدم تفاهم یا کج‌فهمی منجر می‌شود.

مطالعه زبان زندان هم مهم است و هم ارزشمند؛ نه تنها به دلیل اینکه اهمیت زبان را در نزد زندانیان برای کنار آمدن با شرایط زندگی در زندان نشان می‌دهد؛ بلکه به دلیل اینکه به ما کمک می‌کند کارکردهای اجتماعی زبان را بهتر و بیشتر بشناسیم (Mayr, 2013). به باور مایر (*ibid*) فرهنگ و زبان حاکم بر زندان تأثیر بسزایی بر رفتار زندانیان دارد و از این رو، اگر مسئولان زندان و مسئولان قضائی به مطالعه دقیق زبان زندانیان بپردازند و با آگاهی از این زبان با زندانیان رفتار کنند می‌توان تا اندازه زیادی از بروز خشونت و ناهنجاری در زندان‌ها جلوگیری کرد. در نتیجه، آشنایی با زبان زندان و شناخت جنبه‌های آوایی، ساختار و آوایی، نحوی و معنایی آن را می‌توان گامی مهم در راستای اصلاح زندان و بهبود وضع و رفتار زندانیان به‌شمار آورد.

زندانیان و خانواده‌های آنان جزئی از جامعه هستند و با دیگر افراد جامعه در تعامل و ارتباط هستند. گونه زبانی آن‌ها نوع خاصی از رفتارها را شکل می‌دهد و به دنبال آن هنجارها و ارزش‌هایی که با شیوه‌های متعادل و متعارف جامعه هماهنگی ندارد، زمینه‌ساز پاره‌ای از رفتارهای آسیب‌شناختی و ضداجتماعی می‌شوند. آشنایی با زبان زندانیان برای مسئولان زندان‌ها و دیگر کسانی که در مراکز درمانی و حمایتی و سایر مراکز و نهادهایی که به هر طریقی با زندانیان یا آزادشدگان از زندان در ارتباط هستند، مفید و حتی شاید ضروری باشد.

با توجه به اهمیت موضوع و نظر به خلأ مطالعات زبان‌شناختی بر روی گونه زبان زندان در داخل کشور، در پژوهش حاضر که در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی انجام می‌گیرد، می‌کوشیم به جنبه معنایی این گونه زبانی بپردازیم و تغییرات معنایی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در این گونه زبانی را با توجه به چهار متغیر اجتماعی جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی واکاوی کنیم. امید است که با این کار باب تازه‌ای در خصوص مطالعات مربوط به زندان و به‌ویژه زبان زندان گشوده شود و با شناسایی ابعاد گوناگون این گونه زبانی بتوان به درک بهتری از شرایط زندان و تأثیر آن بر روی ذهن و زبان زندانیان دست یافت.

این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی است: ۱. مهم‌ترین تغییرات معنایی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندان کدامند؟ ۲. رابطه این تغییرات معنایی با چهار متغیر جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی زندانیان چگونه است؟ فرضیه ما درباره رابطه میان تغییرات معنایی و متغیرهای اجتماعی این است که تغییرات معنایی با همه متغیرهای پیش‌گفته رابطه معنادار دارند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش بر روی زبان زندانیان زن و مرد در پنج زندان شهرری، رجایی‌شهر، قزل‌حصار، فشافویه و تهران بزرگ واقع در استان‌های تهران و البرز انجام گرفته است. انتخاب این پنج زندان به‌صورت گزینشی و به‌دلیل دست‌رسی آسان برای پژوهشگران بوده و داده‌های پژوهش برگرفته از گفتار زندانیانی است که به‌مدت بیش از ۵ سال برای تحمل کیفرشان در این زندان‌ها به‌سر می‌برده‌اند. نمونه‌برداری از جامعه هدف به روش گزینشی انجام گرفته است؛ بدین صورت که پس از تعیین زندان موردنظر، برای گردآوری داده‌ها از روش‌های مبتنی بر مشاهده عینی از طریق حضور در محل، مصاحبه و یادداشت‌برداری استفاده شده است. البته، در برخی موارد، مشاهدات از سوی دستگاه ضبط صوت صدابرداری شده است. مصاحبه با ۲۰ زندانی زن از زندان شهر ری (که زندان ویژه بانوان است) و ۵۰ زندانی مرد از زندان‌های رجایی‌شهر (۱۰ نفر)، قزل‌حصار (۱۵ نفر)، فشافویه (۱۰ نفر) و تهران بزرگ (۱۵ نفر) انجام گرفت. درنهایت، از طریق مشاهده و مصاحبه، تعداد ۶۱۵ مورد از واژه‌ها، اصطلاحات و عبارات به‌کار رفته در زبان زندانیان مرد و ۴۹۶ مورد از زبان زندانیان زن به‌دست آمد که به‌صورت کیفی و کمی تحلیل و بررسی شد. البته، ناگفته نپیداست که بسیاری از واژه‌های رایج در گفتار مردان و زنان زندانی با یکدیگر مشترک است.

جدول شماره ۱ تعداد مصاحبه‌شوندگان را به تفکیک جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی نشان می‌دهد. از لحاظ سنی، مصاحبه‌شوندگان به سه گروه تقسیم شدند: جوان (از ۱۸ تا ۳۰ سال)، میان‌سال (از ۳۱ تا ۵۰ سال) و کهن‌سال (از ۵۱ تا ۶۵ سال). از نظر سطح تحصیلات، مصاحبه‌شوندگان به چهار گروه بی‌سواد، زیردیپلم، دیپلم و لیسانس و بالاتر تقسیم شدند و درنهایت، از نظر موقعیت اجتماعی، به سه گروه موقعیت اجتماعی پایین، متوسط و بالا تقسیم شدند.

جدول ۱: تعداد مصاحبه‌شوندگان به تفکیک جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی

Table 1: Number of interviewees by gender, age, education, and social status

جنسیت	سن			تحصیلات				موقعیت اجتماعی		
	زیر ۲۰ سال	۲۰ تا ۳۰ سال	بیش از ۳۰ سال	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر	کشور	شهر	روستا	
مذکر	۲۰	۱۵	۱۵	۱۰	۱۱	۱۴	۱۸	۱۷	۱۵	
مؤنث	۸	۶	۶	۵	۵	۵	۹	۶	۵	
مجموع	۲۸	۲۱	۲۱	۲۰	۱۶	۱۹	۲۷	۲۳	۲۰	

این مقاله از پنج بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، ابتدا به بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش و نیز پرسش‌ها و فرضیه‌ها پرداختیم و سپس روش پژوهش را بیان کردیم. در بخش دوم، مروری کوتاه بر پیشینه پژوهش خواهیم داشت. در بخش سوم چارچوب نظری پژوهش ارائه می‌شود. در بخش چهارم، به تحلیل و بررسی داده‌ها خواهیم پرداخت و تغییرات معنایی را بر اساس متغیرهای اجتماعی پیش‌گفته واکاوی خواهیم کرد. سرانجام، در بخش پنجم، نتیجه‌گیری پژوهش را ارائه خواهیم کرد.

۳. پیشینه پژوهش

زبان زندان تاکنون از جنبه‌ها و زوایای گوناگون مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است. واژه‌نگاران واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندانیان را وارد واژه‌نامه‌ها کرده‌اند (برای نمونه، Green, 2011; Lighter, 1994). جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان زبان زندان را از دیدگاه جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی بررسی کرده و آن را برای ترسیم نقشه نظام اجتماعی زندان به‌کار برده‌اند (برای مثال، Bondeson, 1989; Einat & Einat 2000). مردم‌شناسان و زبان‌شناسان به بررسی کارکردهای ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی زبان زندان پرداخته‌اند (برای نمونه، Encinas, 2001; Looser, 2004; Mayr, 2013). روان‌شناسان آن را از دیدگاه روان‌شناختی بررسی کرده‌اند (برای نمونه، Mathew, 2013) و تحلیلگران گفتمان نیز به تحلیل گفتمان حاکم بر زندان پرداخته‌اند (مانند، Mayr, 2004).

سایملین (Simelane, 2016) به بررسی گونه واژگانی مورد استفاده از سوی زندانیان زن در کشور سوازیلند در جنوب آفریقا پرداخته است. هدف این پژوهش، بررسی این موضوع بوده است که آیا زندانیان زن برای آنکه خود را جدا از جامعه معیار (جامعه غالب) نشان دهند، دست به تغییر واژه‌های زبان خود می‌زنند و اصطلاحاتی به کار می‌برند که افراد خارج از جامعه زندان قادر به درک آن‌ها نباشند یا خیر. یافته‌های پژوهش نشان داد که این زندانیان از واژه‌ها و اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که زندانبانان، افسران پلیس و مردم بیرون از جامعه زندان نتوانند زبان آن‌ها را متوجه شوند. دلیل این کار عمدتاً این است که زندانیان می‌خواهند هویت زبانی مستقلی داشته باشند و خود را مستقل و جدا از اولیای امور زندان نشان دهند. لوسر (Looser, 2004) از طریق مصاحبه با زندانیان زندان‌های نیوزیلند، به گردآوری بیش از ۳۰۰۰ واژه و اصطلاح رایج در زبان این زندانیان طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ پرداخته است. وی در واژه‌نامه خود علاوه بر اصطلاحات و تعاریف آن‌ها تا حد ممکن به بررسی خاستگاه و ریشه این اصطلاحات نیز پرداخته و برای هر یک از اصطلاحات، مثال‌هایی از زبان زندانیان ارائه کرده است.

با وجود پژوهش‌های بسیاری که در کشورهای دیگر و زبان‌های دیگر بر روی زبان زندان و ابعاد گوناگون آن انجام گرفته است، طبق بررسی نگارندگان، تاکنون در کشور ایران و زبان فارسی تنها دو پژوهش زبان‌شناختی بر روی این موضوع انجام شده است. یکی از این پژوهش‌ها مربوط به پایان‌نامه کارشناسی ارشد مسن‌آبادی (۱۳۹۰) است که در آن به بررسی زبان زندانیان مرد در سه زندان اوین، قزل‌حصار و ندامتگاه فردیس از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی پرداخته است. وی ضمن بررسی تأثیر محیط زندان بر زبان زندانیان، نمودهای زبان‌شناختی آن را در سطوح معنایی، واژگانی و آوایی تحت تأثیر جامعه زندان مطالعه کرده و دریافته است که محیط و شرایط حاکم بر زندان سبب بروز تغییرات معنایی، واژی و آوایی در گفتار زندانیان می‌شود. پژوهش دیگر، کتاب رهبر و مسن‌آبادی (۱۳۹۵) است. این پژوهشگران با رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی به مطالعه زبان زندان پرداخته‌اند و کوشیده‌اند از این رهگذر به شناخت بهتر و بیش‌تری از لایه‌های زیرین جامعه زندان و درک کامل‌تری از نقش‌های زبان دست یابند. آن‌ها مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات مورد استفاده در زبان زندانیان مرد در چند زندان استان تهران را گردآوری و مهم‌ترین ویژگی‌های واجی، ساخت‌واژی و معنایی آن‌ها

را بررسی کرده‌اند.

اگرچه پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی نسبت به زبان زندان در ایران تاکنون تا اندازه زیادی غفلت کرده‌اند؛ ولی پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی به موضوع زندان و زندانیان توجه کرده‌اند و به بررسی جنبه‌هایی از زندگی در زندان و مسائل درباره آن پرداخته‌اند. از کارهایی که در این زمینه انجام گرفته است، می‌توان عبدی (۱۳۸۷)، شمس (۱۳۸۲، ۱۳۸۷، ۱۳۹۲) و نیز هاشمی (۱۳۸۸) را نام برد که به دلیل عدم ارتباط کار آن‌ها با محور مقاله، از بحث بیشتر درباره آن‌ها خودداری می‌کنیم.

۴. چارچوب نظری

پژوهش حاضر در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی که یکی از شاخه‌های اصلی و گسترده زبان‌شناسی امروز است، انجام می‌گیرد. از دیدگاه ریچاردز و اشمیت (Richards & Schmidt, 2010: 537) زبان‌شناسی اجتماعی عبارت است از مطالعه زبان در ارتباط با متغیرها و عوامل اجتماعی همچون طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، سن، جنسیت، قومیت و مانند آن. در این چارچوب کوشش بر این است که رابطه میان ساختار زبان و ساختار جامعه بررسی شود و تأثیرات ساختار جامعه و از جمله عوامل اجتماعی بر ساختار زبان مطالعه شود. در پژوهش حاضر، کوشش بر این است که در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی، به بررسی تغییرات معنایی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندان پرداخته شود. تغییر معنایی به هر گونه تغییر و تنوع در معنای واژه‌ها گفته می‌شود. در اثر تغییر معنایی، واژه‌ها ممکن است معناهای جدیدی بپذیرند، ممکن است مدلول و مرجع معناهای کنونی آن‌ها عوض شود یا ممکن است معناهای پیشین خود را از دست بدهند (Murphy & Koskela, 2010: 147). مهم‌ترین تغییرات معنایی که در میان واژه‌های به‌دست آمده از زبان زندان مشاهده می‌شود، عبارت‌اند از: تغییر استعاره^۱، تغییر مجازی^۲، تغییر کنایی^۳ و تنزل معنایی^۴.

تغییر استعاره فرایندی معنایی است که در آن یک واژه برای اشاره به چیزی به‌کار می‌رود که جزء معناهای لفظی آن واژه نیست؛ بلکه با معنای لفظی واژه به‌گونه‌ای شباهت دارد. مانند واژه head انگلیسی که به‌صورت استعاره برای اشاره به رئیس و مسئول یک اداره یا شرکت

به‌کار می‌رود. تغییر مجازی فرایندی معنایی است که در آن یک واژه برای اشاره به چیزی به‌کار می‌رود که به‌گونه‌ای با معنای لفظی آن واژه در ارتباط است (*ibid*). مانند واژه «جیب» در جمله «این روزها وضع جیب خرابه!» که در واقع، اشاره به «وضع مالی و پولی» دارد. کنایه عبارت است از به‌کار بردن واژه‌ای در معنایی که درست متضاد معنای لفظی آن واژه است (Bussmann, 1996: 596). برای نمونه، هنگامی که می‌گوییم «تو چقدر باهوشی!» و منظور ما این است که «تو چقدر هوش پایینی داری»، از کنایه استفاده کرده‌ایم. با وجود این، در سنت مطالعات ادبی فارسی مفهوم کنایه بسیار گسترده‌تر و متنوع‌تر از مفهوم irony است و به‌طور کلی هر گونه بیان غیرصریح و پوشیده را می‌توان کنایه دانست (برای بحث بیشتر درباره تفاوت‌های کنایه و irony بنگرید به آقازینالی و آقاحسینی، ۱۳۸۷).

هادسن (Hadson, 2000: 261) فرایند تنزل معنایی را تغییر معنا به سمت معنی منفی و ناخوشایند توصیف می‌کند. مثال فارسی برای تنزل معنایی به‌نقل از صفوی (۱۳۸۳: ۱۹۵) واژه «لیبرال» است که امروز دیگر در زبان فارسی به معنی «آزادی‌خواه» به‌کار نمی‌رود؛ بلکه تنزل معنایی می‌یابد و در مفهوم شخصی وابسته به غرب استفاده می‌شود که بار عاطفی منفی دارد.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا مهم‌ترین تغییرات معنایی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندان را واکاوی می‌کنیم و سپس، به بررسی ارتباط این تغییرات معنایی با متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلات و موقعیت اجتماعی زندانیان می‌پردازیم.

۵-۱. تغییرات معنایی

با بررسی داده‌های پژوهش که شامل ۱۱۱۱ واژه و اصطلاح رایج در زبان زندانیان زن و مرد است مشخص شد که مهم‌ترین عوامل ایجاد تغییر معنایی در واژه‌ها و اصطلاحات زبان زندان، استفاده از فرایندهای معنایی استعاره، مجاز، کنایه و تنزل معنایی است. در ادامه، نمونه‌هایی از هر یک از این چهار فرایند را ذکر می‌کنیم. برای هر یک از نمونه‌ها مشخص کرده‌ایم که در زبان زندانیان مرد کاربرد دارد یا در زبان زندانیان زن یا اینکه در هر دو جنس مشترک است.

۵-۱-۱. تغییر استعاری

تغییر استعاری یکی از مهم‌ترین عامل ایجاد تغییر معنایی در واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندان است. زندانیان به منظور پنهان‌سازی منظور و مقصود خویش از مسئولان زندان یا دیگر زندانیان، بسیاری از واژه‌ها را در معنایی غیر از معنای لفظی خود به‌کار می‌برند و از آن‌ها به‌صورت استعاری استفاده می‌کنند. در ادامه، نمونه‌هایی از کاربرد استعاری واژه‌های زبان زندان ذکر می‌شود.

اصغر: مأمور بازرسی ویژه، افسر نگهبان (مردان).

امپراتور: کسی که حرف اول و آخر را در گروه‌های داخل زندان می‌زند (مشترک).

برزو: فرد گنده و بی‌خاصیت (مردان). این واژه در عین استعاری بودن، دستخوش تنزل معنایی نیز شده است.

پاترول: کسی که دائم از اتاق‌ها سرکشی می‌کند تا کسب خبر کند (مردان).

سبزی‌فروش: کسی که دائم از اتاق‌ها سرکشی می‌کند تا کسب خبر کند (زنان).

پمپی: کسی که مواد را با سرنگ یا قطره‌چکانی که سوزن به سر آن وصل شده باشد به افراد دیگر تزریق می‌کند (مشترک).

ته بازار: قسمت‌های انتهایی اتاق‌های طویل را گویند (مردان). این واژه دربرگیرنده تنزل معنایی نیز هست.

کلید: انتظاماتی که وظیفه باز و بسته کردن درها را دارد (مشترک).

۵-۱-۲. تغییر مجازی

گاه زندانیان از واژه‌ها به‌صورت مجازی استفاده می‌کنند و آن‌ها را برای اشاره به مفاهیمی به‌کار می‌برند که با معنای اصلی و لفظی واژه به‌گونه‌ای ارتباط دارد. بدین ترتیب برخی واژه‌های زبان زندان دستخوش تغییر مجازی می‌شوند که نمونه‌هایی از آن‌ها در ذیل آمده است.

آبکی: مشروبات الکلی (مشترک).

چشمی: پارچه‌ای که مقابل تخت آویزان می‌شود و مانع رسیدن نور به داخل تخت می‌شود (زنان).

در و پنجره: شیشه، مواد روان‌گردان (مشترک).

سفیدی (سپیدی، اسپیدی): هرویین (مشترک).

علف: حشیش (مشترک).

مشامی: نوعی از مصرف مواد مخدر (هرویین) است که آن را به صورت پودر از طریق مجاری بینی خود استفاده می‌کنند (مشترک).

۵-۱-۳. تغییر کنایی

یکی دیگر از دلایل تغییر معنایی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندان این است که زندانیان برخی واژه‌ها و عبارات را در معنای کنایی به کار می‌برند و بدین ترتیب منظور و مقصود خویش را به صورت پنهانی بیان می‌کنند. نمونه‌هایی از تغییر کنایی در زبان زندان بدین شرح است:

با قفل تصادف کردن: دزدی کردن (مردان).

آسانسوری: جابه‌جا کردن چیزی از بین پنجره‌های طبقات زندان (مردان).

اون روش رو بذار: موضوع صحبت را عوض کن (مردان).

تبر زدن: توهم زدن بر اثر مصرف مواد مخدر (مشترک).

ترک یابویی: نوعی روش برای ترک مواد مخدر بدون هیچ‌گونه دارو و کمک (مشترک).

حاج بلوچ: کسی که توزیع‌کننده اصلی مواد مخدر است (مردان).

قابلمه پُره: حبس ابد و طولانی (زنان).

جفتکی (یا نفربر): دمیایی (مشترک).

۵-۱-۴. تنزل معنایی

تنزل معنایی رایج‌ترین نوع تغییر معنایی در واژه‌ها و اصطلاحات زبان زندان به‌شمار می‌آید. در تنزل معنایی یک واژه برای اشاره به مفهومی به‌کار می‌رود که از مفهوم اصلی خود نازل‌تر به‌شمار می‌آید و در نتیجه، معنای واژه منفی و ناخوشایند جلوه می‌کند. نمونه‌هایی از تنزل معنایی در زبان زندان در ادامه ذکر شده است.

النگو: دستبندی که به دست زندانی یا متهم می‌زنند (مردان).

درکه: جای خوب و تر و تمیز در اتاق زندانیان را گویند (زنان).

ولنجک: جای خوب و تر و تمیز در اتاق زندانیان را گویند (مردان).
 مصالح فروش: کسی که در فروش هروئین تقلب کرده و چیزی دیگری (معمولاً قرص و غیره...) را به جای هروئین به معتاد می‌دهد (مردان).
 مادر خونه: تقسیم‌کننده غذا، مسئول پخش غذا و چای در بین زندانیان (زنان). این اصطلاح در بردارنده استعاره نیز هست.
 آبرو: سیگار، قند و امثال آن (مردان)
 تا اینجا، چهار تغییر معنایی پرکاربرد در زبان زندان و نمونه‌هایی از هر یک را شناختیم؛ در بخش بعد به بررسی ارتباط این فرایندهای معنایی با متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی می‌پردازیم.

۵-۲. بحث و بررسی

در این بخش به بررسی ارتباط میان تغییرات معنایی در زبان زندان با متغیرهای اجتماعی جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی می‌پردازیم. جدول شماره ۲ فراوانی چهار گونه تغییرات معنایی را بر اساس جنسیت نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود، دو فرایند کنایه و تنزل معنایی بیشترین کاربرد را در شیوه‌های بیان معنا در زبان زندان دارند به گونه‌ای که فراوانی این دو تغییر معنایی بسیار نزدیک به هم بوده و هر یک کمی بیش از ۴۰ درصد از کل تغییرات معنایی را دربر می‌گیرند. این واقعیت بیانگر آن است که زبان زندان به شدت کنایی است و زندانیان برای بیان مفاهیم مورد نظر خود کنایه را بهترین و کارآمدترین شیوه بیان می‌دانند. یکی از دلایل رواج کنایه در این زبان را می‌توان قابلیت کنایه در مخفی‌سازی منظور و مفهوم دانست؛ به گونه‌ای که تنها کسانی بتوانند منظور گوینده را متوجه شوند که با زبان زندان و اصطلاحات کنایی آن آشنایی کافی داشته باشند. در کنار کنایه، تنزل معنایی نیز از دیگر فرایندهای پرکاربردی است که سبب تغییر معنایی در واژه‌ها و اصطلاحات زبان زندان می‌شود. از آنجا که خود زندان و مفاهیم مرتبط با آن از نظر جامعه معیار دارای ارزش پایین، منفی و ناخوشایند تلقی می‌شود، کاربرد واژه‌های زبان معیار جامعه برای اشاره به مفاهیم مربوط به زندان و مناسبات و اعمال و مفاهیم مرتبط با آن به‌خودی خود سبب تنزل معنایی می‌شود. برای نمونه، استفاده از دو اسم مکان «ولنجک» و «درکه» برای

اشاره به «جای خوب و باکیفیت‌تر زندان» علاوه بر آنکه نوعی بیان استعاری است، شامل تنزل معنایی نیز هست؛ زیرا خود زندان و محیط و فضای آن از نظر جامعه محیطی فرودست و نامطلوب تلقی می‌شود، در حالی که اگر، برای مثال، همین دو واژه برای اشاره به «جای خوب و باکیفیت‌تر» در محیطی مانند دانشگاه یا هر شهر دیگری غیر از تهران به‌کار رود، نمی‌توان آن را تنزل معنایی دانست.

جدول ۲: فراوانی و درصد تغییرات معنایی در زبان زندان با توجه به متغیر جنسیت

Table 2: Frequency and percentage of semantic changes in prison language according to gender variable

			تغییرات معنایی				کل
			تنزل معنایی	کنایه	استعاره	مجاز	
جنسیت	مذکر	فراوانی	۲۵۶	۲۵۰	۷۹	۳۰	۶۱۵
		درصد	۴۱/۶۳	۴۰/۶۵	۱۲/۸۵	۴/۸۸	۱۰۰
	مؤنث	فراوانی	۱۹۹	۲۰۱	۷۷	۱۹	۴۹۶
		درصد	۴۰/۱۲	۴۰/۵۲	۱۵/۵۲	۳/۸۲	۱۰۰

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ می‌توان دید، درصد رواج فرایندهای معنایی تنزل، کنایه، استعاره و مجاز در دو جنس مذکر و مؤنث با هم تفاوت چشمگیری ندارد. اگر برای آزمون این فرضیه که «کاربرد فرایندهای معنایی در بین زندانیان مرد و زن متفاوت است»، از آزمون ناپارامتری کای - دو استفاده کنیم درمی‌یابیم که تفاوت میان آن‌ها معنادار نیست. نتایج این آزمون در جدول شماره ۳ آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با توجه به اینکه مقدار Sig بزرگ‌تر از ۵ درصد است، این فرضیه در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود.

جدول ۳: نتیجه آزمون ناپارامتری کای - دو برای سنجش تفاوت کاربرد فرایندهای معنایی در زنان و مردان

Table 3: Non-parametric Chi-square test to measure the results of the differences between the men and women use of semantic processes

	Value	Df	Sig	نتیجه آزمون
Chi-Square	۲.۲۳۹	۳	۰.۵۲۴	رد فرضیه

جدول ۴: تفاوت کاربرد فرایندهای معنایی میان زنان و مردان به لحاظ متغیر سن

Table 4: The differences in the use of semantic processes between men and women in terms of age

رده سنی	فراوانی و درصد بر حسب جنسیت		فرایندهای معنایی							
			تنزل معنایی	معناداری	استعاره	معناداری	کنایه	معناداری	مجاز	معناداری
جوان ۱۸ تا ۳۰ سال	مذکر	فراوانی	۲۰۲	۰.۰۰۰	۶۲	۰.۰۰۲	۲۳۲	۰.۰۱۷	۲۱	۰.۰۷۵
		درصد	۰.۷۹		تفاوت		۰.۷۸		تفاوت	
	مونث	فراوانی	۱۸۸	معنادار است	۷۳	معنادار است	۱۹۶	معنادار است	۱۷	معنادار نیست
		درصد	۰.۹۴		۰.۹۵		۰.۹۸		۰.۸۹	
میان سال ۳۱ تا ۵۰ سال	مذکر	فراوانی	۲۵۱	۰.۰۰۰	۷۳	۰.۳۸۶	۲۴۴	۰.۰۰۱	۲۸	۰.۱۶۷
		درصد	۰.۹۸		تفاوت		۰.۹۲		تفاوت	
	مونث	فراوانی	۱۶۳	معنادار است	۶۸	معنادار نیست	۱۸۰	معنادار است	۱۵	معنادار نیست
		درصد	۰.۸۲		۰.۸۸		۰.۹۰		۰.۷۹	
کهن سال ۵۱ تا ۶۵ سال	مذکر	فراوانی	۱۰۶	۰.۰۹۵	۵۲	۰.۰۵۸	۲۲۹	۰.۰۰۲	۱۸	۰.۸۸۴
		درصد	۰.۴۱		تفاوت		۰.۶۶		تفاوت	
	مونث	فراوانی	۹۸	معنادار نیست	۶۱	معنادار نیست	۱۶۴	معنادار است	۱۱	معنادار نیست
		درصد	۰.۴۹		۰.۷۹		۰.۸۲		۰.۵۸	

پیش از آنکه به تحلیل جدول شماره ۴ بپردازیم لازم است نکته‌ای را یادآور می‌شویم. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ دیدیم، تعداد کل موارد تنزل معنایی در داده‌های گردآوری شده از گفتار زندانیان مرد ۲۵۶ مورد بود؛ ولی در جدول شماره ۴ می‌بینیم که تعداد موارد تنزل معنایی مردان در سه رده سنی جوان (۱۸ تا ۳۰ سال)، میان سال (۳۱ تا ۵۰ سال) و کهن سال (۵۱ تا ۶۵ سال) به ترتیب برابر ۲۰۲، ۲۵۱ و ۱۰۶ مورد است که مجموع آن برابر است

با ۵۵۹ مورد. این اختلاف در آمار به دلیل آن است که بسیاری از موارد تنزل معنایی در هر سه رده سنی یافت می‌شود و به دلیل اشتراک در میان رده‌های سنی، دو یا سه بار محاسبه می‌شود. این موضوع در مورد دیگر تغییرات معنایی و جنس مؤنث نیز صدق می‌کند. بنابراین، این اختلافات آماری ناشی از اشتباه در محاسبه و جمع‌بندی موارد تغییر معنایی نیست؛ بلکه به دلیل اشتراک آن‌ها در میان رده‌های سنی است.

بر اساس داده‌های جدول شماره ۴ می‌توان دریافت که هم در گفتار افراد مذکر و هم افراد مؤنث جوان (۱۸ تا ۳۰ سال)، تغییر معنایی حاصل از کاربرد کنایه فراوانی بیشتری نسبت به سایر تغییرات معنایی دارد. پس از کنایه، تنزل معنایی در رتبه دوم قرار دارد و پس از آن استعاره در رتبه سوم است. این در حالی است که در گفتار افراد مذکر میان‌سال (۳۱ تا ۵۰ سال)، تنزل معنایی دارای بیش‌ترین فراوانی است و با فاصله کمی پس از آن، کنایه قرار گرفته است، در حالی که در گفتار افراد مؤنث میان‌سال، استفاده از کنایه رواج بیشتری دارد و تنزل معنایی پس از آن در جایگاه دوم است. در رده سنی کهن‌سال (۵۱ تا ۶۵ سال)، هم در گفتار مردان و هم زنان، کنایه دارای بیش‌ترین کاربرد است و پس از آن تنزل معنایی با اختلاف زیاد قرار دارد. شاید دلیل اینکه مردان و زنان کهن‌سال نسبت به مردان و زنان میان‌سال کم‌تر از موارد تنزل معنایی استفاده می‌کنند را اقتضای سن آن‌ها دانست که به دلیل آن می‌کوشند گفتار پاکیزه‌تر و مناسب‌تری از خود بروز دهند.

به منظور بررسی اینکه آیا عامل سن بر کاربرد فرایندهای معنایی در میان زندانیان مؤثر است یا خیر، باید به ستون‌های Sig در جدول شماره ۴ نگاه کنیم. بر این اساس می‌توان دریافت که در رده سنی جوان، میان کاربرد سه فرایند معنایی استعاره، کنایه و تنزل معنایی در زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد ($Sig < 0$) و زنان جوان از این سه فرایند معنایی بیشتر از مردان جوان استفاده می‌کنند؛ اما کاربرد مجاز میان زنان و مردان در این رده سنی تفاوت معنادار ندارد ($Sig > 0.05$). در رده سنی میان‌سال، کاربرد تنزل معنایی و کنایه بین زنان و مردان تفاوت معنادار دارد و کاربرد این دو فرایند معنایی در گفتار مردان بیشتر از زنان است؛ ولی تفاوت کاربرد استعاره و مجاز در میان این دو جنس معنادار نیست. در رده سنی کهن‌سال، رواج کنایه در میان زنان و مردان دارای تفاوت معنادار است و مردان بیشتر از زنان از کنایه استفاده می‌کنند؛ ولی کاربرد سه فرایند دیگر تفاوت معناداری در این دو جنس ندارد.

بیشترین رواج تنزل معنایی در میان مردان رده سنی میان سال (۹۸ درصد) و کمترین رواج آن در میان رده سنی کهن سال (۱ درصد) است. بیشترین کاربرد استعاره در میان زنان جوان (۹۵٪) و کمترین کاربرد آن در میان مردان کهن سال (۶۶ درصد) به چشم می خورد. بیشترین رواج کنایه در میان زنان جوان و مردان میان سال (۹۸ درصد) و کمترین رواج آن در میان زنان کهن سال (۸۲ درصد) دیده می شود. بیشترین کاربرد مجاز در میان مردان میان سال (۹۳ درصد) و کمترین کاربرد آن در میان زنان کهن سال (۵۸ درصد) مشاهده می شود.

جدول ۵: تفاوت کاربرد فرایندهای معنایی میان زنان و مردان به لحاظ موقعیت اجتماعی

Table 5: The differences in the use of semantic processes between men and women in terms of social status

موقعیت اجتماعی	فراوانی و درصد بر حسب جنسیت		فرایندهای معنایی							
			تنزل معنایی	معناداری	استعاره	معناداری	کنایه	معناداری	مجاز	معناداری
بالا	مذکر	فراوانی	۳۰	۰.۹۵۸	۵۷	۰.۰۰۰	۱۷۱	۰.۰۰۰	۱۰	۰.۸۰۲
		درصد	۰.۱۲	تفاوت	۰.۷۲	تفاوت	۰.۶۸	تفاوت	۰.۳۳	تفاوت
	مؤنث	فراوانی	۲۳	معنادار	۳۳	معنادار	۴۳	معنادار	۷	معنادار
		درصد	۰.۱۲	نیست	۰.۴۳	است	۰.۲۱	است	۰.۳۷	نیست
متوسط	مذکر	فراوانی	۱۲۲	۰.۱۳۷	۶۸	۰.۶۰۹	۲۳۹	۰.۰۰۰	۲۳	۰.۱۷۱
		درصد	۰.۴۸	تفاوت	۰.۸۶	تفاوت	۰.۹۶	تفاوت	۰.۷۷	تفاوت
	مؤنث	فراوانی	۸۱	معنادار	۶۴	معنادار	۷۵	معنادار	۱۱	معنادار
		درصد	۰.۴۱	نیست	۰.۸۳	نیست	۰.۳۷	است	۰.۵۸	نیست
پایین	مذکر	فراوانی	۲۴۸	۰.۰۰۱	۷۲	۰.۳۶۹	۲۴۲	۰.۰۰۰	۲۷	۰.۵۲۸
		درصد	۰.۹۷	تفاوت	۰.۹۱	تفاوت	۰.۹۷	تفاوت	۰.۹۰	تفاوت
	مؤنث	فراوانی	۱۷۷	معنادار	۷۳	معنادار	۱۷۴	معنادار	۱۸	معنادار
		درصد	۰.۸۹	است	۰.۹۵	نیست	۰.۸۷	است	۰.۹۵	نیست

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که هم در میان مردان و هم زنان، بیشترین میزان استعاره مربوط به افراد دارای موقعیت اجتماعی پایین است (۹۱ و ۹۵ درصد به ترتیب برای مردان و زنان)، در حالی که کمترین میزان استفاده از استعاره در میان افراد دارای موقعیت اجتماعی بالا دیده می‌شود (۴۳ و ۷۲ درصد به ترتیب برای زنان و مردان). بیشترین کاربرد کنایه مربوط به مردان دارای موقعیت اجتماعی پایین و متوسط (به ترتیب ۹۷ و ۹۶ درصد) و کمترین کاربرد کنایه مربوط به زنان دارای موقعیت اجتماعی بالا و متوسط است (به ترتیب ۲۱ و ۳۷ درصد). می‌بینیم که اختلاف چشمگیری (بیش از ۶۰ درصد) در رواج کنایه میان این دو گروه وجود دارد. در گفتار زنان و مردان دارای موقعیت اجتماعی پایین، بیشترین میزان استفاده از تنزل معنایی را می‌توان یافت (۹۷ و ۹۸ درصد به ترتیب برای مردان و زنان)، در حالی که کمترین میزان استفاده از این فرایند در میان افراد دارای موقعیت اجتماعی بالا دیده می‌شود (۱۲ درصد برای هر دو جنس مذکر و مؤنث). در اینجا تفاوت بسیار چشمگیری میان موقعیت اجتماعی بالا و پایین در مورد کاربرد تنزل معنایی را می‌توان مشاهده کرد (تفاوت بیش از ۷۵ درصد).

در مورد مجاز می‌بینیم که مردان و زنان دارای موقعیت اجتماعی پایین دارای بیشترین میزان استفاده از فرایند مجاز هستند (۹۵ و ۹۰ درصد به ترتیب برای زنان و مردان)، در حالی که مردان و زنان دارای موقعیت اجتماعی بالا کمترین میزان استفاده از این فرایند را دارند (۳۳ و ۳۷ درصد به ترتیب برای مردان و زنان). در اینجا نیز اختلاف چشمگیری میان موقعیت اجتماعی بالا و پایین در استفاده از فرایند مجاز دیده می‌شود (اختلاف بیش از ۵۰ درصد).

جدول ۶. تفاوت کاربرد فرایندهای معنایی میان زنان و مردان به لحاظ سطح تحصیلات

Table 6: The differences in the use of semantic processes between men and women in terms of education

تحصیلات	فراوانی و درصد بر حسب جنسیت		فرایندهای معنایی							
			تنزل معنایی	معناداری	استعاره	معناداری	کنایه	معناداری	مجاز	معناداری
بی‌سواد	مذکر	فراوانی	۲۴۴	۰.۰۰۱	۶۹	۰.۳۱۴	۲۴۷	۰.۸۳۵	۲۷	۰.۹۵۳
		درصد	۰.۹۵	تفاوت	۰.۸۷	تفاوت	۰.۹۹	تفاوت	۰.۹۰	تفاوت

	مؤنث	۱۷۱ فراوانی		۷۱ معنادار		۱۹۹ معنادار		۱۷ معنادار		
		درصد	۰.۸۶	است	۰.۹۲	نیست	۰.۹۹	نیست	۰.۸۹	
زیر دیپلم	مذکر	فراوانی	۲۳۶	۰.۰۱۱	۶۲	۰.۹۱	۲۴۱	۰.۰۱۴	۲۴	۰.۹۲۹
		درصد	۰.۹۲		تفاوت		۰.۷۸		تفاوت	
	مؤنث	فراوانی	۱۶۸	معنادار	۶۱	معنادار	۱۸۲	معنادار	۱۵	معنادار
		درصد	۰.۸۴		است		۰.۷۹		نیست	
دیپلم	مذکر	فراوانی	۲۳۱	۰.۰۰۴	۶۰	۰.۶۴۵	۲۰۱	۰.۹۵۸	۲۰	۰.۸۹۸
		درصد	۰.۹۰		تفاوت		۰.۷۶		تفاوت	
	مؤنث	فراوانی	۱۶۰	معنادار	۵۶	معنادار	۱۶۲	معنادار	۱۳	معنادار
		درصد	۰.۸۰		است		۰.۷۳		نیست	
لیسانس و بالاتر	مذکر	فراوانی	۴۶	۰.۱۹۷	۲۴	۰.۰۲۵	۷۹	۰.۰۰۰	۶	۰.۹۱۹
		درصد	۰.۱۸		تفاوت		۰.۳۰		تفاوت	
	مؤنث	فراوانی	۲۷	معنادار	۱۲	معنادار	۳۱	معنادار	۴	معنادار
		درصد	۰.۱۴		نیست		۰.۱۶		است	

همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود، رواج فرایند تنزل معنایی در میان مردان بی‌سواد و زیردیپلم بیش از سایر گروه‌هاست (۹۵ و ۹۲ درصد به ترتیب)، در حالی که مردان و زنان دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر کمترین میزان استفاده را از این فرایند دارند (۱۴ و ۱۸ درصد به ترتیب برای زنان و مردان). همچنین، می‌توان دید که افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بسیار کمتر از افراد دارای سطح تحصیلات پایین‌تر در گفتار خود از فرایند تنزل معنایی استفاده می‌کنند (با اختلاف بیش از ۶۵ درصد) و این نشان‌دهنده تمایل افراد تحصیل‌کرده به داشتن گفتار پاکیزه‌تر و اثرپذیری کمتر آن‌ها از محیط زندان است.

همچنین، می‌بینیم که بیش‌ترین میزان استفاده از استعاره در میان زنان بی‌سواد (۹۲ درصد) و کم‌ترین میزان استفاده از آن در میان زنان با تحصیلات لیسانس و بالاتر دیده

می‌شود (۱۶ درصد). اختلاف بسیار چشمگیر میان این دو دسته، نشان‌دهنده تأثیر شدید متغیر تحصیلات بر میزان استفاده از استعاره در گفتار زندانیان است. بیش‌ترین کاربرد کنایه مربوط به زنان و مردان بی‌سواد است (۹۹ درصد برای هر دو جنس) و کم‌ترین کاربرد آن در میان زنان دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر به چشم می‌خورد (۱۵ درصد). در اینجا نیز اختلاف بسیار فاحش گویای تأثیر شدید عامل تحصیلات بر کاربرد کنایه در گفتار زندانیان است. در مورد مجاز می‌بینیم که بیشترین کاربرد آن در میان مردان و زنان بی‌سواد است (۹۰ و ۸۹ درصد به ترتیب) و کم‌ترین کاربرد آن در میان مردان و زنان دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر دیده می‌شود (۲۰ و ۲۱ درصد به ترتیب). در این مورد نیز اختلاف چشمگیری مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر متغیر تحصیلات بر میزان رواج مجاز در گفتار زندانیان است.

در میان افراد بی‌سواد، بین مردان و زنان تنها در میزان استفاده از فرایند تنزل معنایی تفاوت معنادار وجود دارد و در مورد دیگر فرایندها تفاوت معنادار نیست. در میان افراد زیردیپلم، تفاوت معنادار بین زنان و مردان در استفاده از تنزل معنایی و کنایه است. در میان افراد دارای دیپلم، تنها در میزان استفاده از فرایند تنزل معنایی بین زنان و مردان تفاوت معنادار دیده می‌شود. در افراد تحصیل‌کرده دارای لیسانس و بالاتر، در میزان کاربرد استعاره و کنایه بین زنان و مردان تفاوت معنادار به چشم می‌خورد.

۶. نتیجه

در این پژوهش با بررسی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در گفتار ۲۰ زندانی زن و ۵۰ زندانی مرد از زندان‌های قزل‌حصار، رجایی‌شهر، تهران بزرگ، فشافویه و شهر ری در استان‌های تهران و البرز، تأثیر چهار عامل جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی بر روی میزان رواج چهار فرایند معنایی استعاره، کنایه، مجاز و تنزل معنایی در زبان زندان تحلیل شد. نتایج این تحلیل نشان داد که متغیر جنسیت اگرچه روی میزان کاربرد فرایندهای معنایی پیش‌گفته در گفتار زندانیان مؤثر است؛ ولی سبب ایجاد تفاوت معنادار در گفتار زنان و مردان نمی‌شود. با این حال، برخی اصطلاحات خاص مردان و برخی اصطلاحات خاص زنان است. برای مثال، مردان برای اشاره به دستبند از اصطلاح «النگو» استفاده می‌کنند، در حالی که زنان از اصطلاح «النگو طلا»؛

مردان برای اشاره به کسی که سر هر سفره‌ای می‌نشیند و نقش مهمان ناخوانده را دارد می‌گویند «فلانی چتربازه!»؛ ولی زنان می‌گویند «فلانی دون بپاشی می‌شینه!»؛ مردان برای اشاره به مفهوم برابری و نبود تبعیض می‌گویند «شهرام بهرام نداریم»، در حالی که زنان می‌گویند «صغری کبری نداریم».

یکی دیگر از نتایج ضمنی پژوهش این است که مردان بسیار بیشتر از زنان از نبایدهای زبانی (واژگان تابو) استفاده می‌کنند. این رفتار به‌ویژه در هنگام صحبت با شنونده هم‌جنس بیشتر مشاهده می‌شود و قابل تقسیم به سه دسته جداگانه است: الف. بیان لطفه‌های جنسی یا به‌طور کلی لطفه‌هایی که در آن‌ها نبایدهای زبانی بسیاری به‌کار رفته است؛ ب. ناسزا گفتن؛ ج. شوخی کردن با استفاده از نبایدهای زبانی. این در حالی است که زنان در هنگام صحبت با هم‌جنسان خود راجع به مواردی که آورده می‌شود، بیشتر از مردان سخن به میان می‌آورند: الف. غیبت کردن یا به عبارتی بحث درباره معایب دیگران؛ ب. گفت‌وگو درباره جنس مخالف که اصولاً یکی از آشنایان است، مثل دوست‌پسر یا شوهر خود یا دوستان و خویشاوندان؛ ج. پز دادن یا به عبارتی تعریف و تمجید از داشته خود و مقایسه آن با دیگران.

از میان سه متغیر دیگر (یعنی سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی)، دو متغیر تحصیلات و موقعیت اجتماعی بیشترین تأثیر را روی میزان رواج تغییرات معنایی در میان زندانیان دارند. این در حالی است که تأثیر متغیر سن از این دو متغیر کمتر، ولی از متغیر جنسیت بیشتر است. در مجموع، می‌توان گفت هر چه تحصیلات و موقعیت اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندان در میان آن‌ها کمتر خواهد بود و این می‌تواند نشانه تأثیرپذیری کمتر از آن‌ها از محیط زندان و فرهنگ و زبان حاکم بر آن باشد. برعکس، هر چه سطح تحصیلات و موقعیت اجتماعی افراد پایین‌تر باشد، بیشتر تحت تأثیر زبان زندان قرار می‌گیرند و به میزان بیشتری از فرایندهای معنایی پیش‌گفته در گفتار خود استفاده می‌کنند.

درباره فرضیه اصلی پژوهش مبتنی بر وجود رابطه معناداری میان تغییرات معنایی و چهار متغیر اجتماعی جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی باید به مواردی که آورده می‌شود، اشاره کرد:

۱. تغییرات معنایی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندان ارتباط معناداری با متغیر

جنسیت ندارند.

۲. در مورد رابطه تغییرات معنایی با سه متغیر دیگر (یعنی سن، تحصیلات و موقعیت اجتماعی) نمی‌توان نظری واحد داد؛ زیرا ارتباط میان آن‌ها بسته به نوع تغییرات معنایی و رده‌های سنی، تحصیلاتی و اجتماعی مختلف متغیر و متفاوت است که این موضوع به صورت مبسوط در بخش چهارم مقاله درباره آن بحث شد.

بنابراین، فرضیه پژوهش به‌طور کلی نه رد می‌شود و نه تأیید؛ زیرا به دلیل تنوع متغیرها و نیز تنوع تغییرات معنایی رابطه میان آن‌ها در برخی موارد معنادار است و در برخی موارد معنادار نیست. در مجموع، یافته‌های پژوهش مؤید تأثیر عوامل و متغیرهای اجتماعی مربوط به زندانیان بر روی زبان زندان و به‌ویژه بخش معنایی این زبان است و این یافته‌ها با دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی که زبان را متأثر از عوامل اجتماعی می‌داند، هم‌سو می‌دارد.

شایسته است تأکید کنیم که شناخت دقیق ویژگی‌ها و ابعاد گوناگون زبان زندان می‌تواند ما را به شناخت بهتری از نظام ذهنی زندانیان و روابط و شرایط حاکم بر زندگی در زندان برساند. این شناخت به متولیان امور زندان‌ها، مسئولان قضائی و فعالانی که در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از زندان بر خود زندانیان و خانواده‌های آنان تلاش می‌کنند کمک می‌کند که با آگاهی و برنامه‌ریزی بهتر و مؤثرتری حرکت کنند و پیامد نهایی این موضوع می‌تواند حرکت به‌سوی اصلاح رفتار و برخورد مسئولان زندان و دست‌اندرکاران امور مربوط به زندانیان با این افراد و کاهش آسیب‌های اجتماعی در فضای درون و بیرون از زندان باشد.

به هر حال زندانیان دیر یا زود پس از اتمام دوره حبس خود از زندان خارج و وارد فضای عمومی جامعه می‌شوند. آن‌ها بسیاری از واژگان و اصطلاحات رایج در زبان زندان را همراه خود به جامعه می‌آورند و آن‌ها را وارد گونه‌های زبانی رایج در جامعه می‌کنند. بسیاری از زندانیان هم‌اکنون پدران و مادران جامعه هستند یا در آینده خواهند بود و در نتیجه مختصات زبانی آنان کمابیش به فرزندان - که نسل آینده جامعه را می‌سازند - سرایت خواهد کرد. بنابراین، بررسی روند گسترش گونه زبانی زندان در بین زندانیان و تأثیر آن بر زبان جامعه بیرون از زندان و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن دارای اهمیتی انکارناپذیر است و به گفته اکرامی (۱۳۸۴) چنانچه این پدیده مهم به‌صورت علمی شناسایی نشود و عالمانه در جهت احیای فرهنگ و تراکم

فرهنگی جهت داده نشود، احتمال «آنارشسیسم زبانی و واژگانی» و به تبع آن هرج و مرج در حیطه فرهنگ و درنهایت، احتمال بروز زوال فرهنگی دور از انتظار نخواهد بود.

پرداختن به ریشه‌ها و علل رواج واژه‌ها و اصطلاحات خاص و منحصر به فرد در زبان زندان از موضوعات پژوهشی جالب و سودمند در زمینه زبان زندان است که در اینجا مجال آن نیست؛ ولی به اختصار می‌توان گفت که یکی از دلایل استفاده زندانیان از واژگان و اصطلاحات خاص این است که آن‌ها تمایل دارند هویت زبانی مستقل از جامعه و مسئولان زندان داشته باشند. به سخن دیگر، می‌خواهند خود را جامعه‌ای جدا و مستقل از جامعه معیار (جامعه غالب) بیرون از زندان نشان دهند. به همین منظور، واژه‌ها و اصطلاحاتی را به کار می‌برند که مسئولان زندان و مردم جامعه بیرون از زندان آن را به راحتی متوجه نشوند. این امر علاوه بر آنکه به دلیل اقتضائات زندان و گفت‌وگوهای میان زندانیان است، می‌تواند دارای ریشه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز باشد که بحث درباره آن در قلمرو این پژوهش نمی‌گنجد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. metaphorical change
2. metonymic change
3. Irony
4. Semantic degeneration

۸. منابع

- آقازینالی، زهرا و حسین آقاسینی (۱۳۸۷). «مقایسه تحلیلی کنایه و آیرونی در ادبیات فارسی و انگلیسی». *کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۷. صص ۹۵ - ۱۲۸.
- اکرامی، محمود (۱۳۸۴). *مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی: پژوهشی مردم‌شناختی در اصطلاحات خودمانی جوانان*. مشهد: ایثار.
- شمس، علی (۱۳۸۲). *رویکردی جدید به نظام زندان‌بانی: بازگشت سعادت‌مندان*. تهران: سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، راه تربیت.
- _____ (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان*. تهران: راه تربیت.

- _____ (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی زندان*. تهران: جامعه‌شناسان.
- صفوی، کورش (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- عبدی، عباس (۱۳۸۷). *تأثیر زندان بر زندانی: آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- هاشمی، پریناز (۱۳۸۸). *دیوارنوشته‌های زندان قصر*. تهران: چشمه.
- رهبر، بهزاد و آمنه مسن‌آبادی (۱۳۹۵). *زبان زندان: تحلیل زبان‌شناختی و فرهنگ اصطلاحات*. تهران: گیوا.
- مسن‌آبادی، آمنه (۱۳۹۰). *زبان زندان: نگاهی به نموده‌های زبان‌شناختی در بزه‌کاران زندان‌های استان تهران و استان البرز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

References:

- Abdi, A. (2008). *The Impact of Prison on Prisoner: Social Pathology*. Tehran: Noor Research and Publishing Institute. [In Persian].
- Aghzeinali, Z. & H. Aghhoseini, (2008), "The analytical comparison of allusion and irony in Persian and English literature". *Inquiry of Persian Language and Literature*. 17. Pp: 95-128. [In Persian].
- Bondeson, U.V. (1989). *Prisoners in Prison Societies*. New Brunswick, NJ: Transaction Publications.
- Bussmann, H. (1996). *Routledge Dictionary of Language and Linguistics* (Translated and edited by G. Trauth and K. Kazzazi). London/New York: Routledge.
- Einat, T. & H. Einat, (2000), "Inmate argot as an expression of prison subculture: The Israeli case". *The Prison Journal*. 80. Pp: 309-25.
- Ekrami, M. (2005). *Anthropology of Intimate idioms: Anthropological Research on the Intimate Youth Idioms*. Mashhad: Isar. [In Persian].
- Encinas, G. (2001). *Prison argot: A sociolinguistic and lexicographic study*. New

York: University Press of America.

- Green, J. (2011). *Greens Dictionary of Slang*. Oxford: Oxford University Press.
- Hashemi, P. (2009). *Graffiti of Qasr Prison*. Tehran: Cheshmeh. [In Persian].
- Hodson, R.A. (2000). *Sociolinguistics (2nd ed.)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lighter, J. E. (1994). *Historical dictionary of American slang*. New York: Random House.
- Looser, D. (2004). "Lexicography on the inside: Doing time in every New Zealand prison". *International Journal of Lexicography*. 7(1). Pp. 69–87.
- Masnabadi, A. (2011). *Prison Language: A Look at Linguistic Representations in Offenders of Tehran and Alborz Prisons*. MA Thesis of Linguistics, Islamic Azad University, Central Tehran Branch [In Persian].
- Mathew, D. (2013). "Prison language: A psychoanalytic approach to the language of British young offenders in the twenty-first century". *International Forum of Psychoanalysis*. 22(2). Pp: 95-107.
- Mayr, A. (2004). *Prison Discourse: Language as a Means of Control and Resistance*. New York: Palgrave Macmillan.
- Mayr, A. (2013). "Prison Language". In, C. A. Chapelle (ed.), *The Encyclopedia of Applied Linguistics* (Pp: 4662-4667). Blackwell Publishing Ltd.
- Murphy, M.L. & A. Koskela, (2010), *Key Terms in Semantics*. London/New York: Continuum International Publishing Group.
- Rahbar, B. & A. Masnabadi, (2016), *Prison Language: Linguistic Analysis and Term Glossary*. Tehran: Giva. [In Persian].
- Richards, J. & R. Schmidt, (2010), *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*. London: Longman.
- Safavi, K. (2004). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Soureh Mehr. [In Persian].
- Shams, A. (2003). *A New Approach to Wardership: A Blissful Return*. Tehran: The

Organization of Prisons and Protective Affairs: ways of Education .[In Persian].

- Shams, A. (2008). *An Introduction to the Sociology of Prison*. Tehran: Way of Education. [In Persian].
- ----- (2013). *Prison Pathology. Tehran: Sociologist* .[In Persian].
- Simelane, L. (2016). “A case study of the linguistic variety of women in the Mawelawela correctional institution, Swaziland”. *Linguistics and Literature Studies*. 4(2). Pp: 109-117.

Semantic Changes of Common Words and Expressions in Prison Language according to the Social Variables of Gender, Age, Education, and Status

Behzad Rahbar^{1*}, Ameneh Masnabadi², Mohammad Reza Oroji³

1. Assistant Professor of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Islamic Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran

3. Assistant Professor of Islamic Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran

Received: 13/10/2017

Accepted: 17/01/2018

Abstract

The linguistic variety spoken by the prisoners and the words and expressions used by them in their conversations has attracted a lot of attention. This variety is sometimes so different from the one used outside the prison walls that it is almost unfathomable for those who have never been exposed to it. This variety is idiosyncratic in terms of phonology, morphology, and semantics. The study of prison language and its relevant words and expressions is of great significance from sociolinguistic, psycholinguistic, cognitive linguistic, and criminology points of views. Due to significance and the paucity of domestic linguistic studies on the prison language, this study, within the framework of sociolinguistics, made an attempt to bring the semantic features into considerations and delve into the semantic changes of related words and expressions in the prison language with respects to the four variables of gender, age, education, and social status and respond to the following two research questions: First, What are the main semantic changes of words and expressions in the language of prison? Second, what are the relationships between semantic changes and the four variables of gender, age, education, and social status? In order to collect the data, observation and interviews were utilized. The data included 615 and 496 idioms and expressions used by male and female prisoners respectively (total expressions amounted to 1111). The number of all interviewees was 70, consisting of 20 females from Rey Prison and 50 males from four prisons of Raja'ee Shahr, Ghezelhesar, Fashafooye, and Tehran. The results showed that four semantic processes of metaphor,

* Corresponding Author's E-mail: behzadrahbar@atu.ac.ir

Irony, metonymy, and semantic degradation accounted for the main sources of semantic changes of words and expressions in the language of prison. Regarding the effects of the four variables of gender, age, education, and social status on these semantic processes, it was concluded that gender did not bring about any significant change in the speech of male and female prisoners, though it was effective on the frequency of use of those semantic processes. Some expressions were specific only to men and some were female specific. Out of the other three variables (age, education, and social status), the two variables of education and social status had the most effects on the use of semantic changes among the prisoners. The effect of age is more than that of social status and education and is less than that of gender. In sum, it can be concluded that as education and social status increase, the use of words and expressions in the language of prison decreases. In contrast, as education and social status decrease, the prisoners are more influenced by the language of prison and they use more semantic processes in their speech.

Key words: Irony; Metaphor; Metonymy; Semantic Changes; Semantic Degeneration; Prison Language.